

مکاتیب

عبدالله قطب بن محیی

از عرفای قرن نهم هجری



قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه همکف - پلاک ۸۴ تلفن: ۷۷۳۹۵۲۵

مکاتیب

مؤلف / عبدالله قطب

ناشر / انتشارات قائم آل محمد علیه السلام

نوبت چاپ / اول - ۱۳۸۴

چاپخانه / نوید اسلام

شمارگان / ۳۰۰۰ نسخه

قیمت / ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۹۱۱-۰۰-۲ - ۹۶۴-۸۹۱۱-۰۰-۲ ISBN: 964-8911-00-2

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الأطهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين.

سیر تاریخی نگارش مکاتیب عرفانی

نگارش مکاتیب و نامه‌های اخلاقی و عرفانی و نیز پاسخگویی به پرسش‌های اهل سلوک، از سوی علمای اعلام و فقهای عظام و مشایخ طریقت و مربیان روحانی، از دیر زمان رایج و برقرار بوده است و پیشینه آن به زمان اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین باز می‌گردد. آن بزرگواران، در نامه‌هایی که برای شیعیان و پیروان خود مرقوم می‌فرموده‌اند، ضمن پاسخگویی به سؤالات مختلف، آنان را به تقوا، ورع و سلوک الی الله دعوت و تشویق کرده، دستورالعمل‌های اخلاقی و تربیتی صادر می‌نمودند. که در این میان، نامه‌های امام العارفین، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مثل خورشیدی تابان در آسمان معرفت، برای همیشه تاریخ می‌درخشد. بخشی از آن نامه‌ها در کتاب شریف نهج البلاغه آمده است.

و نیز از دیگر ائمه اطهار علیهم السلام نامه‌هایی که در برگزیده دستورالعمل‌های

زندگی مادی و معنوی بشر است، چون میراث ماندگار به یادگار مانده و بسیاری از آنها در مجموعه‌هایی به طبع رسیده که به مکاتیب یا رسائل معروف است.^۱

به پیروی از ائمه اطهار علیهم السلام، در میان علمای بزرگ اسلام نیز این سنت حسنه برقرار بوده است، از آن جمله می‌توان به نامه‌های اخلاقی و عرفانی اسوه‌های ایمان و تقوا: ابن طاووس، علامه حلی، شهید ثانی، خواجه نصیر طوسی، عین القضات همدانی، و نیز در عصر حاضر، به نامه‌های پر محتوا و انسان ساز آیات عظام و فقهای کرام، مثلاً حسین قلی همدانی، سید علی آقا قاضی، آقا محمد بید آبادی، شیخ محمد بهاری، میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، علامه سید محمد حسین طباطبائی، امام خمینی و دیگر برجستگان علم و عمل رضوان الله علیهم اشاره کرد که جان تشنگان معنویت و طالبان طریق فلاح و رستگاری را از زلال کوثر قرآنی و عرفانی سیراب می‌سازد. و از آنجا که حاوی پرتوی از القائنات ربّانی است، تا عمق جان‌ها نفوذ و رسوخ می‌کند.

قطب و مکاتیب او از دیدگاه بزرگان

مکاتیبی که هم اکنون در محضر نورانی آن قرار داریم، مجموعه‌ای ارزشمند از نامه‌های اخلاقی - تربیتی عالم ربّانی، حکیم الهی، حضرت شیخ عبدالله قطب ابن محیی می‌باشد.

مرحوم محمد معصوم شیرازی، صاحب کتاب ارزشمند «طرائق الحقایق» درباره او چنین می‌نویسد: «العارف الودود، قطب ابن محیی بن محمود، جامع علم ظاهر و باطن بوده، آنچه از مکاتیب او دیده شده که به هر کس مرقوم داشته و جواب نوشته، [از] ده هزار بیت [سطر] متجاوز بوده که کسی [آنها را] جمع نموده است».^۲

۱. به عنوان نمونه ر.ک: معادن الحکمة فی مکاتیب الائمة علیهم السلام، علم الهدی محمد بن

محسن فیض کاشانی، ۲ جلد، انتشارات اسلامی، قم.

۲. طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۱۵۰. و نیز ر.ک: ج ۲، ص ۲۸۹.

محدث بزرگ میرزا حسین نوری در «خاتمه مستدرک» نوشته است: «قطب الدین مشهور به قطب محیی، استاد مولانا جلال دوانی، یکی از مشایخ صوفیه و صاحب مکاتبات معروف به مکاتیب قطب محیی به فارسی می باشد، نام او قطب الدین محمد کوشکناری است».^۱

مرحوم شیخ عباس قمی در دو کتاب خود «هدیه الاحباب»^۲ و «الکنی و الالقاب»^۳ و نیز میرزا عبدالله افندی اصفهانی، در «ریاض العلماء»^۴، شبیه گفتار محدث نوری را ذکر کرده اند.

همچنین مرحوم مدرّس تبریزی، صاحب کتاب «ریحانة الأدب» درباره وی این گونه آورده است: «قطب الدّین، شیخ عبدالله، معروف به قطب ابن محیی بن محمود انصاری خزر جی سعدی، مقیم شیراز که به جهت انتساب به پدرش، به قطب محیی معروف و صاحب مکاتیب معروفه [می باشد] و به نوشته ذریعه، موافق آنچه از کلمات خودش بر می آید، سجاده نشین ارشاد بوده، و در اواخر قرن نهم می زیسته، و اوایل قرن دهم را نیز دیده است... سال وفات شیخ عبدالله قطب، به دست نیامد. و فاضل محدّث معاصر، گوید که: قطب الدّین کوشکناری محمد، معروف به قطب المحیی، عالم، حکیم، متکلم و صاحب مکاتیب فارسی، مشهور به مکاتیب قطب محینی است و استاد ملا جلال دوانی [می باشد] و وفاتش در اوایل قرن دهم هجرت بوده است».^۵

پژوهشگر سخت کوش، علامه محمد قزوینی، که اولین بار درباره این مکاتیب

۱. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۴۴۸ (ط سنگی رحلی).

۲. ر.ک: هدیه الاحباب، ص ۲۳۹، (امیرکبیر، ۱۳۶۲).

۳. ر.ک: الکنی و الالقاب، ج ۳، ص ۷۴.

۴. ر.ک: ریاض العلماء، به نقل از الذریعه، ج ۲۲، ص ۱۳۸.

۵. ریحانة الأدب، ج ۳، صص ۳۰۹-۳۰۸ و نیز ر.ک: ج ۴، ص ۴۳۷.

تحقیقاتی انجام داده، در کتاب یادداشت‌های قزوینی، تحت عنوان «رسائل قطب ابن محیی» می‌نویسد: «با فحوص زیاد در کتب، عجله چیزی از شرح حال صاحب این مکاتیب و عصر او و موطن او، در هیچ جا به نظر نرسید».

وی سپس می‌نویسد: «موضوع جمیع این رسائل، عرفان است، ولی با تنقید تام به متابعت از شریعت اسلام». بعد از آن درباره قطب می‌نویسد: «مکرر تصریح می‌کند که وی داعیه شیخی یا قطبی و نحو ذلک ندارد. مؤلف، بسیار فاضل و با اطلاع از علوم اسلامی و فلسفه و کلام بوده و علاوه بر اینها بسیار اهل ذوق و مجذوب و مفتون کتب ارباب حال بوده است». وی درباره نگارش مکاتیب می‌نویسد: «از حیث انشاء نیز این کتاب در نهایت سلامت و متانت و به غایت استادانه و فاضلانه و بلیغ و وافیه مراد، بدون اطناب ممل یا ایجاز مخل و به کلی عاری از تکلف و تصنع است و اصلاً گویا مطلقاً مؤلف به جنبه تزیین عبارات نپرداخته است و فقط وجهه او جنبه معنی و تفهیم مطلب و وفای به مراد بوده است، ولی در عین حال، عبارات او بسیار متین و جزل و به غایت فاضلانه است، از جنس انشاء خواجه نصیر الدین طوسی، در اخلاق ناصری تقریباً. خلاصه الکلام، این کتاب، کتاب بسیار نفیسی است، هم مطلباً و موضوعاً، و هم انشاء و تحریراً و بسیار جدی و مطابق ذوق سلیم و بدون تمایل به افراط و تفریط است»^۱.

توجه عالمان بزرگ به مکاتیب قطب

نامه‌های اخلاقی و عرفانی این عالم بزرگ، همواره مورد توجه بسیاری از علمای ربانی قرار داشته و دارد و به گونه‌های مختلف، مطالعه آن به علاقه‌مندان توصیه شده

۱. یادداشت‌های قزوینی، به کوشش ایرج افشار، (انتشارات علمی، تهران ۱۳۶۳)، ج ۶، ص ۱۵۸ و نیز ر.ک: مجله یغما، سال ۱۳، شماره پنجم، مرداد ۱۳۳۹، صص ۲۲۵ - ۲۳۵.

است. حتی برخی از آنان در آثار خود از آن نامه‌ها نقل کرده‌اند و نیز بعضی اقدام به تلخیص و نشر نامه‌ها نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به دو کتاب اشاره کرد:

اول، کتاب «منتخب مکاتیب قطب الدین محیی» است که به وسیله حکیم بزرگ ملا محسن فیض کاشانی، به انجام رسیده و در شمار آثار مرحوم فیض نام برده شده است.^۱

دوم، کتاب «احسن التراتیب فی نظم ذرر المکاتیب» است که توسط عالم ربانی و مجتهد بزرگ، آیت الله ملا حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق) به ترتیب موضوعی تبویب یافته و به چاپ رسیده است. ایشان در مقدمه کتاب مذکور درباره انگیزه خود چنین می‌نویسد:

«این مجموعه شریفه مرتبی است از درر منشوره برخی از معارف الهیه و مواعظ سبحانیه و مقاصد اخلاقیه، که مشتمل است بر مکاتیبی که فرستاده است به سوی اخوان خود، قطب الدین بن محیی الدین بن محمود الانصاری الخزر جی السعدی الخرقانی الکوشکناری که از اقطاب عرفای اهل سنت و اجله فضلاهی اهل جماعت بوده. و از رسانه او که مسماء است به «ابواب الخیر» که تألیف نموده است آن را در سنه هشتصد و نود و نه از هجرت نبویه، مستفاد می‌شود که او از مشایخ اجازه بوده است. و بالجمله مراتب فضل و کمال او از مکاتیب او معلوم می‌شود، چه مشتمل است بر حقایق و اسراری چند که بسیاری از کتب اهل عرفان از آنها خالی است. و بسیاری از مکاتیب کسانی که مدعی مقام قطبیت بوده‌اند مطالعه شده است، اما مکتوبی که مانند یکی از این مکاتیب باشد در و جازت و حسن عبارت و ادای مطالب عالیه، بی تکلف و تصنع به احسن و جهی و اتقن طوری دیده نشده «المرء مخبوء تحت لسانه» و اگر چه

۱. ر.ک: سراج السالکین، ص ۵۷، (مقدمه جويا جهانبخش). و نیز فهرست‌های خود نوشت فیض کاشانی، محسن ناجی نصر آبادی، صص ۱۰۵ و ۱۱۴ و ۲۶۸؛ الذریعه، ج ۲۲، ص ۴۳۸.

او از اهل سنت بوده و لکن به مقتضای «أَنْظُرُوا إِلَيَّ مَا قِيلَ وَلَا تَنْظُرُوا إِلَيَّ مَنْ قَالَ» کلمات او که در مواعظ و اخلاق است، پسندیده اهل حال و ارباب ادواق است و جمعی از عرفای علمای فرقه ناجیه اثنی عشریه رضوان الله علیهم در بسیاری از مطالب خود به کلمات او استشهاد کرده‌اند.^۱

شهید بزرگوار، سید قاضی نورالله شوشتری، در مواردی چند از کتاب «مجالس المؤمنین» خود، مطالبی از نامه‌های عبدالله قطب را ذکر نموده است، و از آن جمله، یکی از مکاتیب مبسوط او را به طور کامل نقل کرده است.^۲

همچنین عالم ربانی ملا احمد نراقی در کتاب ارزشمند خود به نام «خزائن» در مواردی برخی از نامه‌های قطب را نقل کرده است، که از جمله در آن کتاب، تحت عنوان مکاتیب ملا قطب، یکی از مکتوبات مبسوط او را به طور کامل آورده است.^۳ و نیز عالم صمدانی و عارف الهی، مولی عبدالصمد همدانی، در کتاب خود «بحر المعارف» از مکاتیب قطب نقل نموده است.^۴

از دیگر عالمانی که اهتمام به نقل و نشر این مکاتیب داشتند، مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی است که در بسیاری از آثار خود، از آن جمله دو کتاب «خزینة الجواهر» و «الجنة العالیة» در موارد زیادی بخش‌هایی از این نامه‌ها را ذکر کرده است.

محدث بزرگ علامه مجلسی نیز به برخی از مطالب قطب استشهاد نموده است، از جمله در تقریر مسئله امامت، درباره لزوم امام، در کتاب «حقّ الیقین» می‌نویسد: «قطب محیی الدین شیرازی، که از علمای مشهور شافعیه، و اهل حال صوفیه است، گفته است در مکاتیب خود که: راه بی‌راهنما نمی‌توان رفت و [سخن کسی که] گفته

۱. احسن التراتیب فی نظم درر المکاتیب، صص ۶-۲.

۲. ر.ک: مجالس المؤمنین، ج ۱، صص ۵۱۷-۵۱۵ و ص ۶.

۳. ر.ک: خزائن، (انتشارات قیام، ۱۳۷۸) صص ۵۵۱-۵۵۳.

۴. ر.ک: بحر المعارف، (انتشارات حکمت، ۱۳۷۰) ج ۱، ص ۲۶۱.

است: چون کتاب الله و سنت رسول الله در میان هست، به مرشد چه حاجت است؟ به آن ماند که مریض گوید: چون کتب طب هست که اطبا نوشته‌اند، ما را به اطبا مراجعت نباید کرد. چه این سخن خطا است، برای اینکه نه هر کس را فهم کتب طب میسر است و استنباط از آن نمی‌توان کرد، مراجعت به اهل استنباط باید کرد، «وَلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»^۱ [و اگر آن سؤال‌ها را به پیامبر و اولوا الامر از ایشان باز گردانند؛ همانا دانش آن، نزد کسانی است که آن علوم را از آنان دریافت کرده‌اند]. کتاب حقیقی صدور اهل علم است: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ»^۲ نه بطون دفاتر، چنانکه حضرت امیر علیه السلام فرموده: «أَنَا كَلَامُ اللَّهِ النَّاطِقِ وَ هَذَا كَلَامُ اللَّهِ الصَّامِتِ» [من سخن گویای خداوندم و این قرآن، سخن خاموش خدا است].^۳

همین استشهاد زیبا و جالب نیز به نقل از کلام قطب در کتاب «مجالس المؤمنین»^۴ علامه قاضی نور الله شوشتری و در کتاب «نور ملکوت قرآن»^۵ علامه سید محمد حسین حسینی طهرانی آمده است.

مرحوم آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور، استاد بزرگ اخلاق و عرفان، در حوزه علمیه قم، در کتاب «پاسداران حریم عشق» که در ده جلد و درباره شرح حال مختصر و سخنان ناب و برجسته عرفا و صلحا، از صدر اسلام تا کنون، نوشته است، پس از ذکر شرح حال کوتاهی از ملا عبدالله قطب، برخی از کلمات او را نقل نموده است. ایشان همواره به شاگردان درس اخلاق خود مطالعه مکاتیب قطب را به طور

۱. سوره نساء، آیه ۸۳.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۴۹.

۳. حق الیقین، علامه محمد باقر مجلسی، ص ۲۲۵.

۴. ر.ک: مجالس المؤمنین، ج ۱، صص ۶ و ۷.

۵. نور ملکوت قرآن، (انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۱۰) ج ۱، ص ۲۴۶ (پاورقی).

مرتب توصیه و سفارش می‌کرده است.

عالم بزرگوار، شیخ آقا بزرگ تهرانی، در موارد متعددی از کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» درباره قطب و مکاتیب او و دیگر آثار وی - شامل دیوان،^۱ ابواب الخیر،^۲ تخمین الاعمار،^۳ مفاتیح الغیب و^۴ ... - اطلاعات مفیدی داده است. از جمله در ذیل عنوان «مکاتیب قطب محیی»، نوشته است: «در مکاتیب قطب محیی، قریب به پانصد نامه به فارسی آمده است که برخی را برای عموم و بعضی را برای خواص از مریدان خود در حدود سنه ۹۰۰ نوشته است. از محتوای برخی نامه‌ها بر می‌آید که او در شهر شیراز سکونت داشته و سپس از آن جا به محلی که خود احداث کرده بود و اخوان آباد نامیده بود منتقل گردیده است. وی بسیاری از پیروان را در اخوان آباد جمع کرد و شخصی را با عنوان شیخ الاخوان، جهت نظارت بر حالات روحی و دینی آنان مشخص نمود و نیز همو کارگزار آنها در امور معیشتی بود. در یکی از نامه‌ها بدین مضمون آمده است که احراز ایمنی از وعده عذابی که در حدیث «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً الْجَاهِلِيَّةِ» ذکر شده، حاصل نمی‌گردد مگر با تمسک به امام، زیرا امام همانند کشتی نجات در دریای مَوَاج می‌باشد که هر کس به آن چنگ نزند، در دریای هواهای نفسانی غرق گشته و تَمَسَّاحِ شَبَهَات، او را می‌بلعد.

چاره اینجاست جز کشتی نوح

آشنا هیچ است اندر بحر روح

که منم کشتی در این دریای کل

مصطفی فرمود آن شاه رسل

شد خلیفه راستی بر جای من

یا کسی کو در بصیرتهای من

و اگر امام نه از مهام انام است، چرا چهارم [از] چهار چیز است که در قبر، شخص

۱. ر.ک: الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۸۸۴

۲. همان، ج ۱، ص ۷۸.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۴.

۴. همان، ج ۲۱، ص ۳۰۴.

را از آن پرسند. و نیز قطب در جای دیگر به لزوم شناخت امام و اینکه امامت، سومین اصل در پی دو اصل توحید و نبوت است، تصریح نموده است. و در یکی از نامه‌های خود، فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دربارهٔ امیر المؤمنین علیه السلام، آورده است که فرمود: «علی علیه السلام ممسوس فی ذات الله». او همچنین در مکتوب موسوم به «ابواب الخیر» ده باب در مورد اعمال و آداب یادآور شده و در پایان دهمین آنها ذکر کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رؤیا به او دستور داده که در طریقه [تصفیه نفس] وارد گردد. او در پی آن، به بلاد حجاز و حمص مسافرت نموده، و با شخصی ملاقات کرده و او این دستور العمل‌های ده گانه را به وی آموخته و اجازه داده است که به دیگران نیز تعلیم دهد.^۱

شیخ آقا بزرگ تهرانی، به دنبال مطالب مذکور، قسمت‌های کوتاهی از نامه‌های قطب را در حدود دو صفحه آورده و سپس مطالبی دربارهٔ قطب و مکاتیب او از چند کتاب دیگر نقل می‌کند و آن گاه به معرفی نسخ خطی مکاتیب اشاره دارد.^۲

در این جا ذکر این نکته لازم است که بعضی از بزرگان، ملا عبد الله قطب را یکی از مشایخ صوفیه معرفی کرده‌اند. باید توجه داشت که متصوفه و صوفیه به معنای مصطلح امروزی، با صوفیه در قرن‌های پیشین فرق‌های بسیاری دارد، قطب نه تنها پیرو بدعت‌های متصوفه و آداب غیر شرعی آنها نبوده، بلکه با آنها به شدت مخالفت می‌کرده، چنانکه در نامهٔ ۱۷۳ اشاره نموده است.

علامه شهید مطهری در این زمینه نوشته است: «تا قرن دهم شخصیت‌های علمی و فرهنگی عرفانی همه جزء سلاسل رسمی تصوفند، و اقطاب صوفیه شخصیت‌های بزرگ فرهنگی عرفان محسوب می‌شوند و آثار بزرگ عرفانی از آنها است. از این به

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۲، صص ۱۳۶ و ۱۳۷؛ با تلخیص.

۲. ر.ک: همان، صص ۱۳۸ و ۱۳۹.

بعد شکل و وضع دیگری پیدا می‌شود. دیگر اقطاب متصوفه، همه یا غالباً، آن برجستگی علمی و فرهنگی پیشینیان را ندارند، و شاید بشود گفت که تصوف رسمی از این به بعد بیشتر غرق آداب و ظواهر و احیاناً بدعت‌ها می‌شود.^۱

نگاهی گذرا به مکاتیب قطب

کتاب مکاتیب شیخ عبدالله قطب، که شامل مجموعه بزرگی از نامه‌های عرفانی^۲ او می‌باشد، میراث ماندگار و گنجینه‌ای کم‌نظیر در اخلاق، عرفان و ادب فارسی به شمار است. آنچه در نگارش مکاتیب جناب قطب محیی، بیش از همه جلوه‌نمایی دارد، پختگی نثر و فخامت آن است که انصافاً در کم‌تر نمونه‌ای از آثار عالمان به چشم می‌خورد. شیوایی و ملاحظت خاصی که با این فخامت همراه شده، خواننده را در پی می‌کشد و جلوه‌های جذب و شوق را به نمایش می‌گذارد. استفاده بجا و فراوان از چاشنی‌های کلام، همچون اشعار ناب از بزرگان ادب ایران؛ و نیز بهره‌وری به هنگام از کلام تابناک پیشوایان عترت، این اثر را خواندنی‌تر و فخیم‌تر ساخته است. استفاده از صنایع گوناگون لفظی و معنوی، همچون سجع و جناس و مراعات نظیر، نیز به فراوانی در این نامه‌های گوهرین به چشم می‌آید. مجموعه این عوامل و موارد دیگر که ذکرشان به درازا می‌انجامد، این نامه‌ها را بس نافذ و اثرگذار نموده است، به گونه‌ای که کم‌خواننده‌ای می‌تواند از سیطره و نفوذ این کلام برکنار بماند.

یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های مکاتیب، برداشت‌های جذاب، از آیات قرآن

۱. آشنایی با علوم اسلامی، کلام و عرفان، ص ۱۲۲؛ و نیز ر.ک: حکمت الهی، مهدی الهی قمشه‌ای، ج ۱، ص ۲۷۶.

۲. تعداد این نامه‌ها تا رقم ۷۸۳ گفته شده است. ر.ک: عرفان و ادب در عصر صفوی، دکتر احمد تمیم داری، (انتشارات حکمت، ۱۳۷۳)، صص ۱۴۵ - ۱۴۹. تاریخ نظم و نثر فارسی، سعید نفیسی، ج ۱، ص ۶۲۱، بزرگان چهارم، محمد کریم اشراق، (خیام، ۱۳۵۱) ص ۱۷۴.

کریم است که نشانگر تدبّر ملا عبدالله قطب در قرآن می باشد.

این مجموعه نفیس، رشحه‌ای از رشحات اقیانوس متلاطم قلبی آتشین و جانی بی قرار است که گویی با قلم عشق و مرکب شوق بر صحیفه جان‌های مشتاق و قلوب سالکان و طالبان کمال، نگاشته شده است. و از طرفی نیز، صورت قدسی و حقیقت ملکوتی مغفول انسان را، از پس حجاب‌های ظلمانی و نورانی، هویدا و آشکار می سازد و عهد الست را یادآور می گردد؛ به گونه‌ای که انسان بی تابانه و عاشقانه به سوی معرفت و رؤیت جمال جمیل و لقای خویشین خویش حرکت کرده و در این راه پای از سر نمی شناسد.

ملا عبد الله قطب، بانفس مسیحایی خود، در کسوت عارف مقیم در منزل سلامت است، و به شکرانه آن، دست مستان شراب غفلت را گرفته و بانگ بر می آورد که به خویش باز گردید و چهره دل آرای خود را مشاهده کنید و صحیفه ذات نورانی خود را بخوانید و از بیت مظلّم و موّحش و بتکده تاریک و مهلک نفس بیرون آید. و هموست که فریاد می زند:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود	زهر چه رنگ تعلّق پذیرد آزاد است
مجو درستی عهد از جهان سست نهاد	که این عجزه، عروس هزار داماد است
که‌ای بلند نظر شاهباز سدره نشین	نشیم تو نه این کنج محنت آباد است
تورا ز کنگره عرش می زنند صغیر	ندامت که در این دامگه چه افتاده است ^۱

قطب در این نامه‌ها، در مسند راهنمایی دلسوز، طبیبی حاذق، سالکی راه رفته و عارفی مقیم در موطن تمکّن، طالبان سیر و سلوک را مخاطب قرار داده، آنها را به سوی سرچشمه شراب طهور و حیات طیبه و لقای حضرت محبوب فرامی خواند.

روش تربیتی قطب و تأثیر قلم روحانی و ملکوتی او در این مکاتیب عرشی چنان گیرا است که انس با عبارت‌های جذاب و محتوای جان بخش آن، آدمی را از دار

۱. دیوان خواجه حافظ شیرازی، به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، ص ۱۹.

شرور و ظلمتکده غرور، به دار نور و سرور و میهمانی عرشیان منتقل می‌سازد.
 آری! مفاد بیشتر نامه‌های او یادآور ذکر الهی است که آرام بخش دل‌های رمیده و
 جان‌های افسرده و مضطرب می‌باشد. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» چرا که هر عالم ربّانی
 که فانی در حق شد، کلام او و قلم او و اشاره او، مُذَكَّر ذکر الهی خواهد بود.
 این همه آوا، از آن شه بود گرچه از حلقوم عبدالله بود

در مکتب امام عارفان

گویی ملا عبد الله قطب از مکتب امام علی بن ابی طالب سلام الله علیه درس زهد و
 عرفان آموخته، همو که در نهج البلاغه فریادش بلند است: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّعَاظَةَ
 لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا»^۱؛ آیا آزاد مردی نیست که این
 لقمه جویده شده [دنیا] را به اهلش واگذارد؟ به درستی که برای جان شما قیمتی جز
 بهشت نیست، خود را به غیر آن بفروشید.

و هم ایشان فرموده است: «وَاللَّهِ لَدُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَهْوَاؤُ فِي عَيْنِي مِنْ عِرَاقِ خَنْزِيرٍ فِي يَدِ
 مَجْذُومٍ»^۲؛ به خدا سوگند این دنیای شما در نظر من، از استخوان خوک تهی از گوشت
 که در دست شخص جذامی باشد، بی ارزش تر و پست تر است.

البته امام المتّقین، دنیای منهای آخرت را، به شیعیان و دوستان خود، این‌گونه
 معرفی فرموده است. و این غیر از دنیایی است که مزرعه آخرت و بازار عقبی است؛
 دنیایی که امام علی علیه السلام آن را در جای دیگر، جایگاه تجارت دوستان خدا و
 محلّ نیایش و سجده گاه ایشان و سرای راستی و صفا معرفی نموده و می‌فرماید: «إِنَّ
 الدُّنْيَا دَارُ صَدَقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا... و مسجدُ أَحِبَّاءِ اللَّهِ و مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ وَ مَشَجَرُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»^۳؛ دنیا خانه

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۲. همان، حکمت ۲۳۶.

۳. همان، حکمت ۱۳۱.

دوستی و درستی است، برای کسی که از آن در راه راست استفاده کند، و مسجد دوستان خدا و محل نزول وحی خدا و تجارتخانه اولیای خدا است. در این جا باید گفت: اگر قرار باشد شرحی بر کلمات نورانی امام العارفین، امیر المؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه، درباره دنیا و آخرت و ضرورت احتراز و اجتناب از دنیا نوشته شود، بی شک نامه‌های ملا عبدالله قطب، جزء بهترین شرح‌های آن خواهد بود.

قطب ابن محبی در نگاهی کوتاه^۱

شخصیت، آثار و اقدامات شیخ عبدالله قطب با همه اهمیتی که در تحولات فکری ایالت فارس دارد تاکنون ناشناخته مانده است. او از معدود نویسندگان عارف قرن نهم می‌باشد که نامش در تذکره‌ها نیامده است. هر چند موزخان همعصر او و از آن جمله «روز بهان خنجی» در «عالم آرای امینی»^۲ و نیز «مصلح الدین لاری» در «مرآة الادوار و مرقاة الاخبار»^۳ او را از بزرگان و مشاهیر فارس دانسته‌اند.

تاریخ تولد و وفات او بر ما معلوم نیست، اما با توجه به شواهد موجود می‌توان گفت که قطب بن محبی، بین سال‌های ۸۳۸ تا ۹۰۹ هجری قمری می‌زیسته است. و فرزند محبی الدین کوشکناری لاری و استاد حکیم معروف ملا جلال الدین دوانی (۸۳۰-۹۰۸ هـ. ق) است.^۴ ملا عبدالله قطب شاگرد شیخ زین الدین جعفر خوافی

۱. این قسمت با استفاده از مقاله «بررسی آثار و احوال قطب بن محبی کوشکناری لاری، بنیانگذار قطب آباد» اثر آقای محمد باقر وثوقی است، مندرج در مجله «فارس شناخت»، سال چهارم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۱، صص ۵۴-۷۰، نگارش یافته است.

۲. ر.ک: عالم آرای امینی، تصحیح جان وود، ۱۹۹۲ م، ص ۳۶۸.

۳. ر.ک: مرآة الادوار و مرقاة الاخبار، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴. درباره اینکه جلال الدین دوانی، شاگرد قطب بوده یا شاگرد پدر او، اختلاف نظر وجود دارد. ر.ک: بزرگان جهرم، محمد کریم اشراق، صص ۱۷۹ و ۱۸۳؛ سبع رسائل، جلال الدین دوانی، (مقدمه دکتر توپسرکانی)، ص ۵۴؛ وقایع السنین والاعوام، خاتون آبادی، ص ۴۴۲.

خراسانی بوده و از نواده‌های سعد بن عباد خزر جی انصاری - از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - می‌باشد.

از ابتدای زندگی قطب اطلاع اندکی در دست است، او در یکی از نامه‌های خود اشاره‌ای کوتاه به مهاجرت خود از خُنج نموده است. خنج در قرن هشتم و نهم قمری به عنوان یکی از پایگاه‌های مهم فکری، به تربیت علما و اندیشمندان پرداخته است. در نیمه دوم قرن نهم هجری، ظهور طبقه‌ای از علما از مهاجرین نواحی ساحل خلیج فارس و از منطقه‌ای به نام کوشکنار به رهبری عبدالله قطب بن محیی در خنج شرایط ویژه‌ای را به وجود آورد.

پس از مدتی و بنا به دلایلی، ادامه زندگی برای او در آن جا میسر نبود و ناگزیر به جهرم هجرت نمود. شواهد نشان می‌دهد که در قرن نهم، جهرم به عنوان یکی از مراکز تبادل کالا و همچنین محل فعالیت علما، به تدریج جانشین خنج شده است. مهاجرت قطب بن محیی، به جهرم نیز در همین راستا صورت پذیرفت.

فعالیت‌های تبلیغی او و پیروانش، از همان ابتدا در این شهر، واکنش بعضی را برانگیخت و اقامت او در جهرم مقاومت شدید برخی از گروه‌های اجتماعی آن دیار را باعث شد که قطب از آنان به نام عمومی جماعت فُساق یاد کرده است. فشارها و تضيیقات در جهرم بر او و یارانش به حدی شدت یافت که قطب ناگزیر گردید به شیراز مهاجرت نماید. او در مدت کوتاهی در فارس از شهرت بسیاری برخوردار شد. در آن زمان منطقه فارس همواره در اغتشاش و ناامنی بود و باعث شورش‌های گسترده در این ناحیه می‌شد که یکی از قربانی‌های ادامه آن حوادث، شهادت صدرالدین محمد دشتکی، عالم بزرگ و مشهور شیراز بود که به جرم رهبری مبارزین به قتل رسید و شهید شد.

ناامنی‌ها و تنگناهای موجود باعث شد تا قطب برای گریز از این شرایط سخت و ایجاد امنیت کافی برای پیروانش، طراحی و ساخت شهرکی در نزدیکی جهرم، جهت

اسکان آنها را به مرحله عمل در آورد.

این محل در چهار فرسنگی شمال شرقی جهرم در نظر گرفته شد و خود او این مکان را «إخوان آباد» نامید و خبر مهاجرت جمعی از یارانش را به إخوان آباد، با این عبارت به دشمنانش اعلام نمود: «ای جماعت فساق! شما را مژده که زود است که إخوان به إخوان آباد می‌روند و هفته، هفته بلکه ماه، ماه روی شما نمی‌بینند، چرا که چنین معلوم می‌شود که نماز جمعه آن جا فرض نیست، با آن که امید از آن بریده نیست که آن جا چندان کسی باز دیده شوند که نماز جمعه توان گزارد. آن گاه شهر برای شما خالی می‌شود، از آن پس از شما که به چنگ و چغانه و دف و ترانه شراب مستانه خورید و پرده شریعت هر چند توانید درید، از چنگ مار هیدید، اما از چنگ خدای عز و جل رهایی ندارید، مگر توبه کنید و باز گردید».^۱

به زعم فشارها و تهدیدها، قطب از انجام مقصود باز نایستاد، در حالی که در شیراز اقامت داشت، با بهره‌گیری از نفوذ و قدرت معنوی و مادی خود، یارانش را برای ساختن خانه و کاشانه در محل جدید حمایت می‌کرد. در همان حال به شیوه خاصی از طریق ارسال نامه‌های متعدد به «إخوان آباد»، یارانش را راهبری می‌نمود. شواهد نشان می‌دهد که طرح قطب و یارانش، با همه موانع و مشکلات، با موفقیت تمام به اجرا در آمد و در نیمه دوم قرن نهم هجری، فارس شاهد تولد یک مجتمع شهری جدید بود که ساکنان آن را افرادی متمکن و مؤمن به اعتقادات خود تشکیل می‌داد. شیخ عبدالله قطب ابن محیی یکی از معدود رهبران فکری و دینی است که باروش مخصوص به خود و از طریق نگارش انبوه مکاتبات اخلاقی - علمی، به رهبری و اداره اجتماع اقدام نموده است. و از سوی دیگر مبلغین او در نواحی مختلف فارس و سواحل خلیج فارس، پراکنده می‌شدند و به تبلیغ ایده‌های رهبر خود می‌پرداختند.

۱. نقل از همین کتاب، نامه شماره ۳۴۹، ص ۷۲۳.

محتوای برخی از مکاتبات او نشان از چرخش وی در تمایلات مذهبی و نزدیکی اندیشه او به تفکرات شیعی دارد. آیا او نیز همچون برخی اندیشمندان بزرگ، در پایان عمر خود، گرایش به اندیشه‌های شیعی پیدا نموده است؟ چرا که در تفکر مذهبی قطب و پیروانش، احترام و عشق و ارادت به ائمه اطهار و چهارده معصوم دیده می‌شود و محتوای بیشتر مکتوبات او نیز که مستفاد از روایات اهل بیت است، نشان از نزدیکی تفکرات مذهبی و سیاسی او به اندیشه‌های شیعی دارد. شاید او نیز مانند عالم بزرگ معاصرش ملا جلال دوانی در اوایل عمر، سنی مذهب بوده، ولی بعدها به مذهب شیعه امامیه پیوسته است.^۱ تحلیل دقیق و منطقی این برداشت، به مطالعه و تحقیق بیشتر و عمیق‌تری نیازمند است. با توجه به اینکه امکان دارد او در موضع تقیه بوده است.

به هر حال این عارف بزرگ پس از عمری تعلیم و تدریس، سال‌های پایانی عمر خود را در شهرکی که با درایت و مدیریت خود ساخته بود، به سر برد و به تربیت شاگردان بسیاری پرداخت که به او اعتقاد و ایمان کامل داشتند و با حمایت جدی و پیگیرانه او، این شهر از رونق و اعتبار خاصی در فارس برخوردار شد، و در حیات بینانگذازش به «قطب آباد» شهرت یافت. هدف اصلی او به وجود آوردن مدینه فاضله‌ای بود که در آن، شهر و ندانش شرایط لازم برای رسیدن به کمال را تجربه کنند. او توانست با همکاری و همدلی یارانش، موفق به اجرای اهداف خود شده و حداقل در حیات خود شاهد به ثمر نشستن آرزوهایش باشد، هرچند به گونه محدود.^۲

در این جا تذکر این نکته نیز مناسب است که صاحب مکاتیب، گذشته از مقام

۱. فلاسفه شیعه، شیخ عبدالله نعمه، ترجمه سید جعفر غضبان، (انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷) ص ۲۴۶.

۲. برای آگاهی بیشتر از شرح حال او رجوع شود به: مجله فارس شناخت، سال چهارم، شماره ۶، صص ۵۴ - ۷۰؛ و نیز بزرگان جهرم، محمد کریم اشراق.

حکمت و عرفان، در شعر و ادب نیز جایگاه عالی داشته و یکی از شعرا و ادبای کم نظیر در خطه فارس بوده است. وی اشعار بسیاری را سروده و دیوان شعری از او به جا مانده است.^۱ بسیاری از اشعاری که در مکاتیب وی آمده از خود او می باشد.

اندیشه سیاسی و اجتماعی قطب در بینش عرفانی

شیخ عبدالله قطب، عالمی است عارف، وی اساس سلوک و سیر عملی خود را، خرد ورزی و دانش منور به نور وحی می داند، نه صرفاً مطالب ذوقی مادون عقل که گاه ممکن است به گونه ای به حس و طبیعت و حالات انفعالی و احساسات بشری نزدیک باشد. البته بی گمان، او ذوق عالی عرفانی مافوق عقل را که چشیدن حقایق و معانی است، نه تنها جایز بلکه هدف قصوای انسان می داند. ذوق مادون عقل و ذوق در مقام تلوین در نظر او پسندیده نیست، لیکن ذوق متمکنین راستوده و ممدوح می داند، بلکه خود صاحب علم الأذواق عالی عرفانی بوده است.

ملا عبدالله قطب شاگردان و مریدان خود را به کسب و کار و تلاش، تحصیل علم، سیر و سلوک و ریاضات شرعی، سعی در اصلاح امور اجتماع مسلمین، حضور مثبت و پویا در جامعه و احیای سنت نبوی صلی الله علیه و آله دعوت کرده و در این رابطه راهکارهای عملی ارائه داده است.

وی عارفی راستین است که درباره مشکلات جامعه، در ابعاد مختلف اخلاقی، علمی، معنوی، روابط اجتماعی و حتی امور اقتصادی و معیشتی، نه تنها بی تفاوتی را بر نمی تافته، بلکه به شدت حساس، متعهد و فعال بوده است. این حساسیت و اهتمام، از مجموعه نامه هایش پیدا است. وی نسبت به طهارت و سلامت اجتماع مسلمین، بسیار احساس وظیفه می نموده، لذا شخصاً به اقامه امر به معروف و نهی از منکر و

۱. ر.ک: تذکره روز روشن، مولوی محمد مظفر حسین صبا، (تهران، ۱۳۴۳)، ص ۶۶۳، و نیز الذریعه، ج ۹، ص ۸۸۴ هفت اقلیم، (ط علمی، تهران)، امین احمد رازی.

اجرای حدود الهی و تعزیرات می پرداخته و تسامح و تساهل تحمیلی بر دین و دینداری را روا نمی دانسته، نسبت به دوستان خدا تولی و نسبت به دشمنان تبری می جسته است.

شیخ عبدالله قطب، عمر شریف خود را صرف تهذیب و تصفیه اخلاقی و رشد علمی و عقلانی افراد جامعه خویش نموده و با بدعت های صوفی نمایان کج فهم که احیاناً انزواطلبی منفی، بی تفاوتی نسبت به امور سیاسی مسلمین را رویه خود کرده بودند، به شدت مخالف بوده و با آنها برخورد می کرده است. او صوفیان دکان دار، یعنی متصوفین را سخت نکوهش نموده و با فیلسوف نمایان یعنی متفلسفین دور از سرفه و وحی و مصباح نبوت، سرسبز داشته است.

در بین عرفای بزرگ، کثیری از دانشمندان و خردمندان فرزانه هستند که ضمن پایبندی به آداب سیر و سلوک و اصول عرفان نظری و عملی، خود از مصلحان بزرگ محسوب می شوند. چنانکه در عصر حاضر حضرت امام خمینی، این فقیه بزرگ، مهر سپهر معرفت و پرچمدار عرفان علمی و عملی، از مصلحان بزرگ محسوب می شود. او درباره فلسفه و هدف تشکیل حکومت در اسلام می فرمود: «مقصد اسلام رساندن عالم طبیعت به مرتبه توحید است... اسلام طبیعت را مهار می کند برای واقعیت و همه را به وحدت و توحید می برد.»^۱

بلی! عارف غیور موحد در سبیل محبت، بر نمی تابد که در مملکت محبوب، کسی غیر از محبوب تصرّفی نماید، هر گونه حکومت و تصرف غیر محبوب در مملکت محبوب، از نظر عارف موحد، غیر مشروع و باطل است و لاجرم از میان برداشتنی. لذا بسیاری از عارفان کامل و واصلان به مقام توحید جمعی، هرگاه زمینه و اقتضا و آمادگی، در جامعه پدید می آمد، به مقابله با حکومت های جور و باطل می پرداختند. بی شک در بینش سیاسی و تاریخ اندیشه و تحولات سیاسی - اجتماعی اسلام،

علاوه بر اندیشه‌های فقهی، اندیشه‌های عرفانی نیز تأثیرات خود را داشته و دارد. تأثیرات متقابل عرفان و سیاست، عرفان و اصلاحات اجتماعی، از مقولاتی است که بر اندیشمندان مدقق پوشیده نیست. آری در اسلام ناب محمدی اندیشه‌ها و تحولات سیاسی - اجتماعی، از اندیشه‌های عمیق عرفانی تفکیک‌پذیر نیست، مگر در نزد نظریه پردازان عرفان سکولار و الهیات لائیک.

اساساً، هدف و فلسفه حکومت، در نگاه قطب و هر عالم خبیر و عارف حکیم، ایجاد مدینه فاضله‌ای است که بستر تحقق توحید در فرد و اجتماع باشد. زیرا اصول و مبانی عرفانی توحیدی به ما می‌آموزد: همچنانکه خداوند قادر، قوانین هستی و خلقت را در بعد تکوینی مقرر فرموده، وضع قوانین تشریعی در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی و در نهایت سیر دادن انسان به فلاح و رستگاری ابدی نیز فقط به دست او است. توحید که اصل و ریشه بینش عرفان اسلامی است، منشأ همه تحولات فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. این آموزه‌های عرفان دینی و توحیدی است که حریت و آزادی واقعی را برای بشر به ارمغان می‌آورد، و طبق همین اصول مترقی عرفانی است که همه انسان‌ها فقط باید در برابر اوامر الهی تسلیم و عبد باشند و هیچ انسانی حق حاکمیت و وضع قوانین و تحمیل آنها را بر انسان‌های دیگر ندارد، مگر اینکه اطاعت او اطاعت از خداوند باشد.

هدف انبیا از تشکیل حکومت، بسط و گسترش توحید و ارزش‌های والای آن بوده که با ظهور آخرین وصی پیامبر ما صلی الله علیه و آله، یعنی حضرت امام عصر عجل الله فرجه به شکل تمام و کمال، تحقق می‌پذیرد و طبق آموزه‌های قرآن و عرفان، حرکت تاریخ و جامعه بشری به همین سمت است. بگذاریم و بگذریم، که در این مقدمه جای بررسی و بحث درباره این مطلب گسترده نیست.

به هر حال، ملا عبدالله قطب، عارفی راستین است که اصلاح و تهذیب و رشد عقلانی جامعه مسلمین و تشکیل مدینه فاضله نبوی صلی الله علیه و آله را وجهه

همت خود قرار داده بود.

یکی از محققان و عرفان پژوهان، در این باره معتقد است: اینکه در داعیه قطب احیای سنت رسول الله اعلام شده و وی در ضمن ارشاد اخوان، آنها را به کوچ کردن به «اخوان آباد» و بریدن از صحبت فسقه تحریض می کند، نشان می دهد که اقدام در ایجاد یک نهضت اخوت، می بایست به نوعی نهضت مقاومت در مقابل دواعی حاکم بر جو عصر او مسبوق بوده باشد.^۱

او در جای دیگر می نویسد: «این نهضت در واقع بیشتر طرح یک نوع مدینه فاضله را در بر دارد و وجود آن از رسائل قطب بن محیی مستفاد می شود.»^۲

چاپ های پیشین مکاتیب

مکاتیب قطب تاکنون سه بار به چاپ رسیده است. اولین بار به سال ۱۳۳۷ هجری قمری و در مطبعه احمدی در شیراز که به ضمیمه کتاب اوصاف المقربین انجام شده است. سپس در فروردین سال ۱۳۳۹ شمسی و با عنوان «مکاتیب فارسی عبدالله قطب شیرازی» توسط کتابخانه احمدی در شیراز و با همکاری کتابخانه ابن سینا در تهران به طبع رسیده است، که حاوی ۱۱۲ نامه می باشد. و آخرین چاپ آن به سال ۱۳۵۶ خورشیدی و با عنوان «مکاتیب عبدالله قطب بن محیی» به شکل زیبایی به وسیله مؤسسه انتشارات و چاپخانه دانشگاه تهران انجام پذیرفته که بسیار کم یاب و دور از دسترس علاقه مندان آن بود و عده بسیاری از مطالعه آن محروم بودند. و اکنون چاپ جدید آن تقدیم علاقه مندان می گردد.

در این جا لازم است از اهتمام مراکز علمی و فرهنگی مذکور، و نیز از مساعی

۱. ر.ک: دنباله جستجو در تصوف ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، (امیر کبیر، ۱۳۶۲)، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۶.

عزیزان و بزرگانی که بذل همت نموده و رنج تحقیق را متحمل شده‌اند، به ویژه از محقق ارجمند، سید الاعلام آقای محمد جعفر باقری که خالصانه اقدام به تحقیق و چاپ و نشر این نامه‌ها نموده‌اند، قدردانی و سپاسگزاری به عمل آید، سعیشان مشکور باد.

متأسفانه چاپ‌های پیشین، فاقد شرح حال نویسنده مکاتیب بوده و اطلاعی از چگونگی زندگی، آثار و اقدامات او ارائه نگردیده است. چون شرح حال شیخ عبدالله قطب توسط تذکره نویسان و مورخان ثبت و ضبط نشده و گویی مغفول واقع شده است.

نسخ خطی مکاتیب

از مکاتیب قطب، نسخ خطی بسیاری موجود است که در کتابخانه‌های معتبر ایران و خارج از آن نگهداری می‌شود. در ایران از جمله در کتابخانه‌های شهرهای تهران، قم، مشهد، شیراز، یزد، همدان و... و در کشورهای دیگر، از جمله در کتابخانه‌های شهرهای نجف، لندن، کمبریج، بنگال و نسخ فراوانی وجود دارد.

نسخه‌هایی که تاکنون شناخته شده قطعاً بیش از یکصد نسخه می‌باشد، اعم از نسخی که شامل چند نامه محدود و یا حتی حاوی یک نامه می‌باشد، تا اینکه ۵۰۰ یا به قولی تعداد ۷۸۳ نامه را شامل می‌شود. از آن جا که ذکر مشخصات این نسخه‌ها از حوصله این مقدمه خارج است، از این رو فقط به ذکر منابع فهرست مشخصات و محل نگهداری نسخه‌های خطی مکاتیب اکتفا می‌گردد:

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۲، صص ۱۴۴۵-۱۴۴۷.

۲- فهرستواره کتابهای فارسی، احمد منزوی، ج ۸، صص ۹۵۴-۹۵۵.

۳- بزرگان جهرم، محمد کریم اشراق، صص ۱۶۵-۱۷۲.

۴- راهنمای فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۱، ص ۲۹۲.

۵- الذریعه الى تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲۲، ص ۱۳۸.

۶- مکاتیب ملا عبدالله قطب ابن محیی، چاپ دوم، با تصحیح و تعلیقات سید محمد جعفر باقری، صص ۱۱۶۰/۷۲-۱۱۶۰/۷۳.

البته نسخه‌هایی که در منابع مذکور معرفی شده است، غیر از آنهایی است که در مجموعه‌ها و جُنگ‌های خطی موجود می‌باشد و به صورت مستقل در فهرست‌ها ذکر و معرفی نشده است.

تذکر چند نکته

۱- هدف اصلی از طبع و نشر این نامه‌ها بیش از هر چیز، جنبه‌های اخلاقی و مواعظ آنها می‌باشد، که با تازیانۀ سلوک به تربیت نفوس مستعد می‌پردازد. در میان برخی از نامه‌ها گاهی به مسائل کلامی و غیره اشاره شده است، اما چون نویسنده قصد پرداختن مبسوط به آن مسائل را نداشته، از این رو با حذف مقدمات علمی، فقط به رئوس مطالبی اشاره نموده و ممکن است برای مبتدیان نارسا باشد. لذا خوانندگان گرامی برای پی‌گیری مبسوط آن مسائل، باید به کتب فنی و تخصصی مراجعه نمایند؛ چنان که در برخی موارد، در پاورقی اشاره نموده‌ایم و ایشان نیز در پایان نامه هفدهم متذکر شده است. بدیهی است که اگر نگارندۀ نامه‌ها می‌خواست که به این مسائل به گونه مستقل بپردازد، قطعاً به همان زیبایی و دقت نامه‌ها، به تبیین و توضیح عالمانۀ آنها نیز می‌پرداخته است.

۲- نویسنده مکاتیب عالم بزرگ و منصف عامه و محب اهل بیت علیهم السلام بوده، و گرایش‌های شیعی وی در لابلای مطالب و فرازهای بسیاری از این نامه‌ها به

خوبی مشهود است.^۱ او در نگارش نامه‌ها از فرمایشات ائمه هدی علیهم السلام، به ویژه کلمات دربار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، در موارد بسیاری استفاده کرده و از آن بزرگواران به عنوان ائمه طاهرين یاد نموده است.

۳- مجموعه مکتوبات حاضر قبلاً توسط دانشمند محترم آقای سید محمد جعفر باقری، با چند نسخه خطی مقابله شده و اضافات دیگر نسخ، داخل پُرانتز قرار گرفته است. و نیز در مواردی که کلمه‌ای داخل کروشه - به شکل [] - آمده، جهت سهولت فهم خوانندگان می‌باشد و از ویراستار است. همچنین توضیحات کوتاهی که در پاورقی برخی صفحات آمده است.

۴- چون ترجمه آیات مورد استشهاد، در متن نامه‌ها نیامده بود، لذا ترجمه آیات شریف را با استفاده از ترجمه دانشمند و استاد محترم آقای محمد مهدی فولادوند در پاورقی‌ها آورده‌ایم.

۵- در پایان کتاب برای تسهیل فهم برخی مطالب نامه‌ها، معنای واژه‌های نامأنوس، به ترتیب حروف الفبا آورده شده است و بیشتر معنای اصطلاحی مد نظر بوده است، نه صرف معنای لغوی و ادبی آنها.

۶- نویسنده محترم مکاتیب، در مکتوب ۳۵۰ که آخرین نامه می‌باشد، آدابی برای

۱. در کتاب بزرگان جهرم آمده است: برخی از علمای رجال در جهت شیعی بودن او کوشش کرده‌اند. (ص ۱۶۵ با تلخیص...) به گفته آیت الله جوادی آملی: در تولی و تبری مهم‌ترین معیار، کیفیت طرح مسائل اصلی و اعتقادی است، نه طرح فروع فقهی (آوای توحید، ص ۸۳). با توجه به این معیار عمیق، بررسی اساسی‌ترین مسائل اسلامی در مکتب قطب - مانند اثبات امامت و سایر معارف دقیق - نشان می‌دهد که آنها بر مبانی شیعه پایه‌گذاری شده است.

اگرچه برخی معتقدند: عرفان اصیل شیعی و سنی، تفکیک ناپذیرند و منشأ اشتباه در جداسازی عرفان شیعی و سنی، تقسیم‌بندی موجود در فقه و کلام شیعه و سنی است که به عرفان هم تسری می‌دهند. (تأملات فلسفی، سید عباس حسینی قائم مقامی، ص ۲۰۶)

خواندن این کتاب بیان نموده است، لذا لازم است خوانندگان گرامی، پیش از مطالعه این کتاب، آن نامه را بخوانند.



در پایان مقدمه از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه مسئلت می‌نماییم که ما را و همه مؤمنین را دستگیری فرماید و از بی‌راهه‌های آمل و آرزوهای موهوم و کثر راهه‌ها و هوس به راه رضایت و بندگی خودش رهنمون سازد. و زنجیرهای خدعه و فریب و جهل و غرور را از دست و پای ما باز نماید و ما را از مغرور گشتن به زخارف دنیا و زینت‌های فریبنده‌اش نگاه دارد و در باغ دل ما نهال‌های عشق و محبت و شوق به خود و اولیاء‌اش را بنشانند.

امید آنکه این‌گونه خدمات ناچیز، مقبول ساحت قطب عالم امکان، حضرت ولی الله اعظم بقیه الله، امام عصر سلام الله علیه قرار گیرد.

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا التَّجَا فِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَالْإِنَابَةَ إِلَى دَارِ السَّرُورِ وَالْأُسْتَعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ».

ویراستار

فروردین ۱۳۸۴